

متکی بود . نمایندگان این سازمانها وظیفه خود میدانستند که بر فعالیت های مدیر نظارت و معمولاً در امر تصمیم گیری او نیز مداخله کنند.^{۲۰}

بهنگام جهش عظیم بسوی صنعتی کردن ، ترویکا دیگر برای دیوانسالاری قابل تحمل نبود ، زیرا وجود آن باعث جلوگیری از انقیاد کامل کارگران در برابر نیازهای انباشت سرمایه میشد . بدینسان در فوریه ۱۹۲۸ ، شورای عالی اقتصادی ، سندی منتشر کرد تحت عنوان قوانین اساسی درباره حقوق و وظایف کارکنان اداری ، فنی ، تعمیرکاری و نگهداری کارخانه های صنعتی ، که هدفش همان از بین بردن ترویکا در اعمال تسلط کامل و بی چون و چرای مدیریت بود .^۳ در سپتامبر ۱۹۲۹ ، کمیته مرکزی حزب در این رابطه مقرر داشت که کمیته های کارگری " نباید مستقیماً در اداره کارخانه دخالت کرده و یا تحت هیچ عنوانی سعی در جایگزین نمودن مدیریت نمایند . آنها باید با تمام قوا در استقرار مدیریت فردی ، بالا بردن تولید ، توسعه کارخانه و در نتیجه بهبود شرایط مادی طبقه کارگر کوشش کنند .^{۴۰}

مدیر کارخانه به تنهایی کلیه مسئولیت ها را در اختیار گرفت . اکنون دیگر همه دستورات اقتصادی او باید " بدون وقفه و اجباراً توسط همه کارگران و کارکنان اداری ، زیر نظر او^۵ اجرا گردد . ل . م . کاگانوویچ L.M.Kaganovich مشکل گشای مشهور اقتصادی در این باره چنین میگوید : " سرکارگر (فورمن) رهبر مقتدر کارگاه و رئیس کارخانه رهبر مقتدر کارخانه است و هر کدام دارای کلیه حقوق ، وظایف و مسئولیت هایی هستند که همواره شرایط شغلی آنانست .^۶ برادر او م . م . کاگانوویچ مقام برجسته وزارت صنایع سنگین نیز چنین میگوید : " بیش از هر چیز ضروری است که مدیریت فردی را تقویت کنیم . باید این اصل را بپذیریم که رئیس کارخانه مهمترین مقام کارخانه است . تمام کارکنان کارخانه باید کاملاً تحت سلطه او قرار گیرند .^۷

یکی از کتب رسمی درباره قوانین اقتصادی شوروی که در سال ۱۹۳۵ انتشار یافت حتی از این هم فراتر رفته است و مینویسد : " مدیریت فردی مهمترین اصل سازمان دهی اقتصاد سوسیالیستی است .^۸

ترویکا رسماً در سال ۱۹۳۷ در پلنوم کمیته مرکزی مدفون گردید .
 در این پلنوم زدانوف که در آن هنگام معاون استالین بود چنین گفت :
 ترویکا کاملاً ممنوع است ترویکا یک نوع هیئت اجرایی است
 اما نظام مدیریت اقتصادی ما کاملاً بر مبنای دیگری استوار است .^{۹۰}

نظام جدید مدیریت آشکارا در نظامنامه رسمی شرح داده شده است :
 " هر کارخانه رهبری دارد . . . مدیر کارخانه . . . که دارای قدرت تام در تصمیم‌گیری
 و کاملاً مسئول در همه امور است . . .^{۱۰۰} به علاوه کنترل فردی مرز محکمی
 بین مدیریت حزب و سازمانهای اتحادیه کارگری ایجاد میکند این مرز محکم
 باید در تمام سطوح مدیریت صنعتی اعمال گردد . کارهای جاری که بسط
 اجرای کامل برنامه است از وظایف مدیریت است . رئیس کارگاه ، مدیر
 کارخانه ، رئیس Glavk یعنی رئیس صنایع و یا بخشی از صنایع هر یک
 در زمینه کار خود صاحب قدرت کامل هستند و حزب و سازمانهای اتحادیه
 کارگری نباید در امور آنان مداخله کنند .^{۱۱۰}

چنین نقل قول هائی ، سخنان رئیس کلیسای کانترپوری رامهتل میکند :
 وجود دمکراسی در کارخانه‌ها پایه آزادی در شوروی را تشکیل میدهد .^{۱۲۰} *
 در سالهای اول انقلاب ، قانوناً و عملاً ، فقط اتحادیه های کارگران
 میزان دستمزدها را تعیین میکردند ، ولی در دوران نپ (NEP) * * این
 روش بکلی تغییر پیدا کرد و میزان دستمزدها از طریق مذاکره بین اتحادیه ها
 و مدیریت تعیین میشد و پس از آغاز برنامه پنجساله اقتصادی پیوسته توسط
 ارگانهای اداری ، اقتصادی مانند وزارتخانه‌ها و Glavk یعنی روسسای
 بخش های مختلف صنایع و مدیریت فردی کارخانه تعیین میگردد . در این
 باره به تفصیل در بخش های دیگر همین فصل بحث خواهد شد اما در اینجا
 چند نمونه از نقل قولهای برگزیده ، نظیر رهبران شوروی را در باره حق
 مدیریت برای تعیین دستمزد بخوبی آشکار میسازد . در ژوئن ۱۹۳۳ ،

وینبرگ Weinberg یکی از رهبران مهم اتحادیه کارگری اعلام کرد :

* آقای جانسون ، رئیس کلیسای کانترپوری ، با اینکه یکتا و حاکم بود اما در
 هنگام جنگ جهانی دوم بدلیل تبلیغات فراوان برای شوروی شهرت بسیار پیدا
 کرد . او نیز مانند بسیاری از طرفداران جبهه خلقی زمان جنگ ، کمونیست

”روش صحیح تعیین دستمزدها و قوانین کار ایجاب میکند که به روسای صنایع و مدیران تکنیکی بید رنگ مسئولیت داده شود . چنین ضرورتی ایجاب میکند که قدرت واحدی ایجاد شود و اقتصاد توسط مدیران تضمین گردد . . . آنها ((کارگران)) نباید در برابر دولت خودشان از خود دفاع کنند . چنین تفکری کاملاً نادرست است و بمعنای از ریشه کردن ارگان های اجرایی است . این یک انحراف فرصت طلبانه ، چپ روانه است و سبب نابودی قدرت فردی و مداخله در قسمت های اجرایی میشود و از این رو باید منسوخ گردد . ۱۳۰

پس از یکسال اردژونیکیدز Ordzhonikidze کمیسر صنایع سنگین ، که در کنفرانس مدیران صنایع سنگین صحبت میکرد ، گفت :

” شما ، بعنوان مدیران ، روسای امور اجرایی و سرکارگرها باید شخصا به مسئله دستمزدها و تمام جزئیات آن بپردازید و این امر مهم را به دیگران نسپارید . دستمزدها قوی ترین اسلحه در دستهای شما هستند . ۱۴۰

پس از مدتی آندریوف Andreev عضو دفتر سیاسی گفت :

” تعیین میزان دستمزدها ، باید کاملاً در اختیار روسای صنایع باشد . آنها باید معیارها را تعیین کنند . ۱۵۰

در این هنگام شرایط متناقضی ایجاد شده بود زیرا ” کمیسیون حل اختلاف و میزان قطعه کاری ” که هنوز وجود داشت و عنوان خود را نیز حفظ کرده بود ، بویژه از مداخله در تعیین میزان دستمزد و معیار کار محروم گردید ! ۱۶

نبود و بدون هیچگونه اطلاعی درباره ماهیت شوروی تبلیغات فراوانی برای این کشور میکرد . (مترجم) .

” سیاست نوین اقتصادی . (مترجم) .

کارگران حق ندارند برای دفاع از منافع خود متشکل شوند .

در دوران لنین و تروتسکی کارگران حق داشتند از خود در مقابل دولت خود دفاع کنند . برای مثال لنین گفت : " دولت فعلی ما يك دولت دولت کارگری است با عیوب دیوان سالاری . . . دولت مادی دولتی است که برولتاریای کاملاً متشکل باید در مقابل آن از خود دفاع کند ، ما باید از طریق سازمانهای کارگری از کارگران در مقابل دولت خود شان پشتیبانی کنیم تا کارگران از دولت ما حمایت کنند . . . ۱۷۰۰۰۰ " .

در آن دوران ، اعتصابات امری عادی بود و از طرف دولت هرگز سرکوب نمیشد . در یازدهمین کنگره حزب ، تنها یکی از رهبران بنام و . ب . میلیتون V.P. Militutin پیشنهاد کرد که " اعتصاب باید در کارخانه های دولتی ممنوع گردد . ۱۸۰۰۰۰ اما دیگران معتقد بودند که وظیفه اعضای حزب شرکت کردن در اعتصابات است ، حتی اگر آنها با اکثریتی که موافق اعتصاب هستند مخالف باشند . و برآستی سالهای پس از انقلاب هنوز شاهد اعتصاب های فراوانی بود . در سال ۱۹۲۲ و ۱۹۲۰۰۰ کارگر کارخانه های دولتی اعتصاب کردند ، اما پیوسته این تعداد بدین سان کاهش یافت؛ در سال ۱۹۲۳ ، ۱۶۵۰۰۰ نفر در سال ۱۹۲۴ ، ۴۳۰۰۰ نفر ، در ۱۹۲۵ ، ۳۴۰۰۰ نفر ، در ۱۹۲۶ ، ۳۲۹۰۰ نفر ، در ۱۹۲۷ ، ۲۰۱۰۰ نفر و در نیمه اول سال ۱۹۲۸ ، تنها ۸۹۰۰ نفر ، در اعتصابات شرکت نمودند . در سال ۱۹۲۲ ، تعداد کارگران نیکه در درگیریهای کاری شرکت داشتند به سه میلیون و نیم رسید ، اما در سال ۱۹۲۳ این رقم به ۸۰۰ ۱۵۹۲ نفر کاهش یافت . ۱۹۰

امروزه ، اتحادیه های کارگری ، البته اگر بتوان آنها را اتحادیه های کارگری نامید ، هیچ گاهی در جهت دفاع از منافع کارگران برنمیدارند . چنین بی اعتنائی بروشنی در این حقیقت نمایان است که بین نهمین و دهمین کنگره های اتحادیه های کارگری ۱۷ سال سپری شد (۱۹۳۲-۴۹) ، سالهایی که شاهد تغییرات شگرفی ، مانند از بین رفتن ۷ ساعت کار در روز و ارائه

عملی استخانوویسم* و بسیاری قوانین وحشتناک دیگر در شرایط کارگران بود و سرانجام هنگامی که کنگره تشکیل شد، همانطور که ترکیب اجتماعی کنگره نشان داد، دربرگیرنده کارگران نبود زیرا: $41/5$ درصد نمایندگان کنگره از مسئولین تمام وقت اتحادیه های کارگری بودند، $9/4$ درصد آنان تکنسین ها و فقط $23/5$ درصد آنان کارگر بودند. 200 (در حالیکه، در کنگره سال ۱۹۳۲، $84/9$ درصد نمایندگان را کارگران تشکیل میدادند).
 بعلاوه، اتحادیه ها اجازه هیچگونه اظهار نظری درباره تعیین دستمزدها نداشتند. در سال ۱۹۳۴، توافق های مشترک نیز لغو گردید.^{۲۱}
 در سال ۱۹۴۰ شورنیک Shvernik، رئیس شورای مرکزی اتحادیه های کارگری، درباره لغو توافق های مشترک چنین اعلام کرد:

«هنگامی که برنامه عامل قطعی رشد اقتصادی است

تصمیم درباره تعیین دستمزدها نباید جدا از

آن باشد. پس بدین سان توافق های مشترک

برای تنظیم دستمزدها اهمیت خود را از دست میدهد.^{۲۲}

در فوریه ۱۹۴۷، توافق های به اصطلاح مشترک دوباره مطرح شدند.

اما رهبران استالینیست، بخوبی این موضوع را روشن کردند که این توافق های جدید هیچ رابطهای با توافق های پیشین ندارند، زیرا شامل دستمزدها

* کارگرانی به استخانوویسم Stakhanovism معتقدند که غالباً اعضای حزب هستند و با کارکردن بیش از معیار تعیین شده، عنوان به اصطلاح قهرمان کار را بدست میآورند. این نوع کارگران به عضویت در حزب پذیرفته میشوند و در حقیقت از اعضای حزب انتظار میرود که استخانوایت باشند. استخانوایت ها از زندگی بهتری برخوردارند. اما در هر نقطه از دنیا، کارگری که برای خشنودی کارفرما بیشتر از کارگران دیگر کار کند، مورد تنفر خواهان و برادران کارگر خود است. (مترجم)

* بسیار جالب توجه است که برای خوانندگان خارجی کتابهای انتشار یافته

است مانند نظامنامه لوزوویسکی Lozovsky در باره اتحادیه های کارگری شوروی

مسکوه ۱۹۳۷، صفحات ۵۶-۵۷ که در آنها چنان درباره توافق های

مشترک صحبت میشود که گویا این توافقها هنوز هم وجود دارند.

نمیشوند . هـا نطو ر که شور نیک در نشریه ماهیانه اتحادیه کاریگری نوشت :
تصمیم در باره هر گونه تغییری در دستمزد ها . . . تنها توسط دولت اتخاذ
میشود .^{۲۳} و یکنهقام رسمی در باره قوانین کار چنین نوشت :^{*} بدیهه می
است که این توافق های مشترک امروز با آن توافق های که زمانی وجود
داشتند که میزان دستمزد و شرایط دیگر کار توسط احکام دولت تغیی—
نمیشد، ند کاملاً متفاوت هستند .^{۲۴}

در سالهای ۱۹۳۸ و ۱۹۴۴ نظامنامه های متعددی در باره قوانین
کار انتشار یافت اما حتی اشارای هم نسبت به این موضوع در آنها نشد
و در نظامنامه ای که در ۱۹۴۶ منتشر شد ، چنین نوشته شده بود :

حقیقت اینستکه اجرای مجدد مذاکرات جمعی
مصلحت نیست . توافق های مشترک ، بعنوان
یک شکل ویژه مقررات قانونی در باره روابط
کار کارگران دستمزدی و کارکنان مزد بگیر
از این پس اهمیت خود را از دست داده است
مقررات مشروح تمام جنبه های این روابط
توسط معیارهای دولتی تعیین شده است ،
دیگر جایی برای توافق های قرار دادی که
در رابطه با شرایط مختلف کار باشد باقی
نمیگذارد .^{۲۵}

بدین سان در سال ۱۹۴۷ نظامنامه دیگری در باره قوانین کار منتشر
شد که دیگر ماده ۵۸ یعنی : "میزان دستمزد یک کارگر برای کاری که
انجام میدهد توسط توافق های مشترک و قرارداد استخدای فردی تعیین
میشود"^{۲۶} شامل آن نبود و از این پس چنین خوانده شد :^{*} اکنون میزان
دستمزد و حقوق با تصمیم دولت تنظیم میگردد (و یا به دستور آن) . . .
توافق طرفین در تعیین میزان دستمزد و حقوق از اهمیت کمتری برخوردار
است . میزان دستمزد نمی تواند برخلاف قانون باشد و در حدودی که
قانون معین کرده است به تصویب میرسد ، برای نمونه فهرست حقوق تصویب
شده نرخ های متفاوتی از . . . تا . . . ارائه میدهد یا حقوق نیمه وقت

کسی را که شغل دیگری دارد تعیین میکند و غیره ۲۷۰۰۰۰

بعلاوه ۱۰۱ استپانوف A. Stepanov مدیر بخش دستمزدها، در شورای مرکزی اتحادیه های کارگری نوشت "جدول دستمزدها و حقوق توسط دولت تنظیم میشود" ۲۸۰

بدیهی است که توافق های مشترکی که هر نوع مذاکره ای را برای تعیین دستمزد منع میکند — که در هر حال این نوع توافق ها، ضرورتاً باید در جهت منافع کارگران باشد — و با روش خاصی تمام تصمیمات را با قاطعیت کامل در اختیار دولت قرار میدهد، چیزی بیش از یک تشریفات ساختگی و دیوان سالاری نیست.

خرد کردن (تمیزه کردن) طبقه کارگر

اگرچه کارخانه های عظیم صنعتی سرمایه داری نوین، بدون شک بعنوان یک عامل عینی مقتدر در یکپارچگی کارگران بعنوان یک طبقه عمل میکنند اما کارفرمایان نیز روش های موثری در اختیار دارند تا این اتحاد و یکپارچگی را خنثی کنند. یکی از مهمترین روش های آنان، ایجاد رقابت در بین کارگران است که بشدت از طریق قطعه کاری اعمال میشود. تهدید به گرسنگی که گاه قادر است کارگران را در برابر کارفرما متحد سازد، میتواند بوسیله کارفرما نیز در راه خرد کردن کارگران بکار گرفته بشود یعنی برای بقای زندگی، کارگری را بجان کارگر دیگر بیاندازد.

برای نمونه روش قطعه کاری بهمین منظور در سطح وسیعی در آلمان نازی بکار میرفت. فرانز نیومن Franz Neumann مینویسد:

همانطور که در قسمت ۲۹ قانون کار ((نازی))

آمده است "حقوق به نسبت تولید" جایگزین

حقوق طبقاتی اتحادیه های کارگری سوسیالیستی

شد است. هیتلر در کنگره افتخاری حزب

گفت: "این اصل آهنین رهبری سوسیالیسم

ملی است"، بهیچوجه میزان دستمزد ساعتی

را افزایش ندهید مگر در صورتیکه کارگر

بیشتر کار کند .^{۲۰} قانون سیاست دستمزدها حتی در مورد کارگران بسیار جوان مزیت شخصی برای قطعه کاری و اضافه حقوق در بردارد . چنین سیاستی باعث تضعیف کامل روحیه کارگران میشود زیرا تنهائی آنهاست که روحیه خود نمائی دارند جاذب چنین خواستهائی میشوند و چه بسا تصادفات ناشی از کار بشدت افزایش مییابد .^{۲۹۰۰}

نیومن در تشریح اینکه چرا نازی ها تا این حد به قطعه کاری اهمیت میدادند میگوید :

"افزایش حقوق متناسب میزان تولید، مساله تفاوت حقوق را در ردیف اول سیاست اجتماعی قرار میدهد . بسیار مهم است که این را نه بعنوان يك امر اقتصادی بلکه بعنوان يك مساله مهم سیاسی کنترل توده های تلقی کرد . . . تفاوت های دستمزدی، جوهر سیاست دستمزدی سوسیالیستی ملی است . . . هدف آگاهانه سیاست دستمزدی بکاربردن آن در سطح وسیع است ."^{۳۰۰}

استالینست ها هم روش قطعه کاری را بهمین منظور بکار بردند . پس از آغاز برنامه پنجساله اقتصادی، نسبت کارگران صنعتی که بر اساس نرخ قطعه کاری حقوق میگرفتند افزایش پیدا کرد : در ۱۹۳۰، ۲۹ درصد کل تعداد کارگران، در سال ۱۹۳۱، ۶۵ درصد و در سال ۱۹۳۲، ۶۸ درصد کارگران بر این اساس حقوق میگرفتند .^{۳۱۰} در سال ۱۹۳۴، تقریباً سه چهارم کل کارگران صنعتی در این به اصطلاح "رقابت سوسیالیستی" شرکت داشتند .^{۳۲۰}

در سال ۱۹۴۴، درصد کارگران و کارمندانی که در صنایع مختلف

با چنین روشی مزد میگویند بدین سان بود : صنایع نفت ۸۲ درصد ،
 هوانوردی ۸۱ درصد ، تسلیحات ۸۵ درصد ، ماشین سازی ۸۱ درصد ،
 مهمات ۸۱ درصد ، صنعت اتومبیل سازی ۸۶ درصد ، ساخت ماشین های
 برقی ۸۳ درصد و صنایع لاستیک سازی ۸۳ درصد ، صنعت
 کتان بافی ۹۱ درصد ، صنعت کفش ۸۷ درصد ۳۳۰ در ۱۹۴۹ پیش
 از ۹۰ درصد کارگران در این " رقابت سوسیالیستی " شرکت جستند ۳۴۰
 در شوروی ، بمنظور حاد کردن رقابت بین کارگران ، بجای روش معمول
 قطعه کاری که در کشورهای دیگر رایج است و حقوق مستقیماً به نسبت کار
 بستگی دارد ، قطعه کاری تصاعدی معرفی شده است که جدول زیر شاهد
 نمونه هائی از آن است .

نظامنامه ای در باره صنعت نفت، میزان دستمزدها را چنین نشان
 میدهد : ۳۵

درصد پیش از معیار و میزان تعیین شده	درصد افزایش به نسبت اصل نرخ قطعه کاری
۱-۱۰	۵
۱۱-۲۰	۱۰
۲۱-۳۰	۲۰
۳۱-۵۰	۴۰
۵۱-۷۰	۷۰
۷۱ و بیشتر	۱۰۰

در برخی صنایع سرعت این افزایش شدت بیشتری مییابد . برای نمونه
 در وزارت ماشین سازی ، قطعه کاری تصاعدی که در جدول زیر نشان داده
 شد ماست بکار میرود ۳۶۰

درصد بیش از معیار و میزان تعیین شده	درصد افزایش به نسبت اصل نرخ قطعه کاری
۱-۱۰	۳۰
۱۰-۲۵	۵۰
۲۵-۴۰	۷۵
۴۰ و بیشتر	۱۰۰

روش تصاعدي نرخ قطعه کاری در شوروی، ارتجاع مضاعف است. زیرا مقدار محصولات مصرفی قابل دسترس، طبق برنامه تعیین میشود. کارگرانی که بیش از معیار تعیین شده تولید میکنند قادر به خرید بیش از سهمی هستند که توسط تولید خود آنها تضمین گشته است اما آن کارگرانی که قادر نیستند به معیار تعیین شده تولید کنند، حتی کمتر از سهمی که تولید آنها تضمین کرد ماست بدست بیاورند.

روش تصاعدي نرخ قطعه کاری به دولت فرصت میدهد تا با بالا بردن روز افزون معیار اصلی تولید، سطح زندگی کارگران را بشدت کاهش دهد. آغاز روش استخوانوایت در اواخر سال ۱۹۳۵ با تغییراتی در معیار تولید هر صنعت همراه بود. معیارهای جدید دیگر بر طبق میانگین تولید کارگران تعیین نمیشد بلکه بر طبق "میانگین تولید استخوانوایت ها و کارگران دیگر تعیین میگردد. ۳۷۰

در آغاز سال ۱۹۳۶ معیارهای کار در اکثر صنایع مهم بدین سان افزایش یافت: ذغال سنگ ۲۲-۲۷/۵ درصد، آهن و فولاد ۲۰-۱۳ درصد، ماشین سازی ۳۰-۴۰ درصد، استخراج فلزات غیر آهنی ۳۵-۳۰ درصد، صنایع نفت ۲۷-۲۹ درصد، صنایع شیمیائی ۳۴ درصد^{۳۸}، نساجی ۵۰-۳۵ درصد، ساختمانی ۸۰-۵۴ درصد. ۳۹

در سالهای ۱۹۳۷ و ۱۹۳۸ این افزایش ها شدیدتر شدند و در نتیجه ۶۰ درصد از کارگران صنایع فلزی دیگر قادر نبودند به میزان معیار تعیین شده تولید کنند. ۴۰ پس از آن در ۱۶ آوریل ۱۹۴۱، شورونیک

اعلام کرد که ۲۲-۳۲ درصد کارگران در تمام صنایع قادر نیستند به میزان معیار تعیین شده تولید کنند. ۴۱

یکی از نتایج نامعقول خرد کردن طبقه کارگر که همراه با تاثیر اجتناب ناپذیر مدیریت غلط ناشی از دیوانسالاری بود، برقراری معیارهای متعدد است. بعنوان نمونه در سال ۱۹۳۹ وزارت تولید ابزار و ماشین آلات به تنهایی دارای ۲۰۲۶۰۰۰ معیار مختلف بود! ۴۲

در اصل موسسهای مسئول رسیدگی به بهداشت کارگران در رابطه با معیارها بود، اما در سال ۱۹۳۶، این موسسه منحل شد. ۴۳ و این خود

نشان آشکاری بود از تصمیم دولت مبنی بر تحمیل شدید رقابت "آزاد" بیسن کارگران. البته استخوانوایت ها برای این منظور ابزار قدرتمندی بودند. به گفته مینارد Maynard کارگران بریتانیا استخوانوایت ها را که با رفتار خود باعث شکست کارگران میشوند، اعتصاب شکن میخوانند. ۴۴۰ کارگران شوروی نیز چنین نظر مشابهی را از طریق "کارشکنی های" متعدد ابراز کرده اند و گاهی هم اعتراض خود را با کشتن استخوانوایت ها نشان داده اند. ۴۵۰ گاهی نویسندگان های استالینیست با بی قیدی تمام روش استخوانوایسم را با تیلوریسم Taylorism که شدیدترین نوع استثمار سرمایه داری است برابر میدانند و در نظامنامه های که به تائید وزارت علوم عالی رسید و بود و برای موسسات آموزش عالی صنایع نفت اختصاص داده شد نوشته شده است که: نظریات و روشهای تیلور "در زمینه حداکثر استفاده از ماشین و کارگر بسیار مرقی است. ۴۶۰ اکنون باید (چنین تعریفی را با تعریف لنین درباره تیلوریسم مقایسه کرد که میگوید: "این اسارت انسان توسط ماشین است. ۴۷۰

سلب هر گونه آزادی قانونی از کارگران

تا آغاز نخستین برنامه پنجساله اقتصادی، کارگران میتوانند با اختیار خود، محل کارشان را تغییر دهند. در حقیقت حق تعیین محل کار طبق قانون کار سال ۱۹۲۲ برای رفاه کارگران تضمین شده بود: "انتقال فرد مزد بگیر از يك کارخانه به کارخانه دیگر و یا از يك محل به محل کار دیگر، تنها با رضایت خاطر آن کارگر و یا کارمند امکان دارد، حتی اگر کارخانه و یا موسسه تغییر مکان دهد. ۴۸۰ کارگران میتوانند بدون هیچگونه مانعی از نقطهای به نقطه دیگر کشور مهاجرت کنند. حتی تا سال ۱۹۳۰ نیز در دایره المعارف کوچک شوروی درج شده بود که "سنت گذرنامه داخلی که توسط حکومت مطلقه برقرار گشته بود با انقلاب اکتبر بعنوان ابزار ستم پلیس سرودهای زحمتکش سرنگون شد. ۴۹۰

اما در سال ۱۹۳۱ هیچ کارگری بدون در دست داشتن اجازت مخصوص مجاز به ترك ليننگراد نبود، از ۲۷ دسامبر ۱۹۳۲ این روش در تمام نقاط شوروی رایج گشت و يك نوع گذرنامه داخلی که بسیار ستمگرانه تر

از این سنت زمان تزار بود متداول گردید تا از تعیین مکان افراد، بدون اجازه
جلرگیری شود. ۵۰.

از ۱۵ دسامبر ۱۹۳۰ تمام کارخانه‌های صنعتی از استخدام کسانی که
محل کار پیشین خود را بدون اجازه ترك کرده‌بودند منع شدند. ۵۱. و ماده
۳۲ قانون کار ۱۹۲۲ که پیش از این به آن اشاره شد نیز در اول ژوئیه
۱۹۳۲ لغو گردید. ۵۲.

در ۱۱ فوریه ۱۹۳۱ کتابچه‌های کار برای کارگران صنعتی
و حمل و نقل و همچنین در ۲۰ دسامبر ۱۹۳۸ برای تمام کارگران
تهیه گردید. ۵۳. در هنگام استخدام شخص باید این کتابچه را به مدیر
کارخانه نشان دهد، مدیران دستور داشتند دلایل خود را برای اخراج
کارگر در آن ذکر کنند. هیچ کارگری بدون نشان دادن کتابچه کار خود
اجازه اشتغال به کار جدید را نداشت. ویکتور سرژ Victor Serge کاربردهای
این روش وحشتناک را بخوبی در نوشته‌هایش بیان داشته است: «گذرنامه»
در محل کار مهر میشود. با هر تغییر شغل، دلیل آن نوشته میشود. من
کارگرانی را میشناسم که بدلیل کار نکردن در روز استراحتشان بعنوان يك
روز "کار داوطلبانه" (و طبیعتاً بدون مزد) اخراج شده‌اند و در گذرنامه
شان درج شده است: "اخراج بدلیل کارشکنی در برنامه تولید. ۵۴.

بنابر قانون ۱۵ نوامبر ۱۹۳۲ هر کارگری که بدون دلیل موجه یکروز از کار
غیبت کند اخراج میشود و بنابر قوانین شوروی اگر محل سکونت او وابسته به
کارش باشد، مانند مسکن کارگران صنایع، کارگران معادن و غیره، کارگر
مزبور از خانه خود نیز بیرون رانده میشود. ۵۵.

در ۴ دسامبر ۱۹۳۲ شورای مردمی کمیسرهای و کمیته مرکزی حزب در مورد
غیبت از کار حکم دیگری صادر کردند و به منظور مجازات سخت‌تر کارگران،
از زان و احتیاجات دیگر کارگران را نیز تحت کنترل مدیران کارخانه قرار
دادند. ۵۶.

هدف حکم ۲۸ دسامبر ۱۹۳۸، ۵۷. مقابله با کسانی بود که دیگر در
کارخانه حاضر نمیشدند، زودتر از موعد مقرر آنجا را ترك میکردند، وقت نهار
را بی جهت طولانی میکردند و یا ساعات کار را به تنبلی و اتلاف وقت

میکنند و راندند . متخلفین به کارهای پست تر کمارده میشدند و اگر در یکماه سه بار و یا در دو ماه چهار بار مرتکب چنین خلافهایی میشدند ، اخراج میکشند . تفسیر رسمی حکم این بود که مجازات های کمتر از اخراج هنگامی باید به مورد اجرا درآید که کارگر تنها کمتر از ۲۰ دقیقه تاخیر داشته باشد و یا کمتر از ۲۰ دقیقه تبلی کند و اگر او در هر يك مورد بیش از این تاخیر کند باید بیدرنك اخراج گردد . و اگر خانه او بستگی به محل کار او دارد آن را بپردازد . بدین سان يك کارگر اخراجی از چهارمسالت دیگری نیز زجر میکشد . برای نمونه و نه تنها حقوق نقص عضو ، پیری و افراد تحت تکفل را از دست میدهد بلکه از استفاده از حقوق زمان بیماری نیز کسه بستگی به طول خدمت او در يك کارخانه دارد . محروم میگردد . برای تعیین و اخراج این حکم جدید ، تصریح گردید که مدیران کارخانه ها و بخش های مختلف آن کما این مجازاتها را مورد اجرا نگذارند ، خود اخراج و تحت تعقیب قانونی قرار گرفته و مجازات میشوند . اما پس از کمتر از دو سال بدیهی بود که بدلیل کمبود کار ، تهدید بـمـاخراج دیگر نتایج رضایتبخش ببار نمی آورد . در نتیجه ، در مورد مجازاتها تجدید نظر شد . ۵۸ از ۲۶ ژوئن ۱۹۴۰ ، بجای اخراج ، هر کارگری که بدون دلیل قانع کننده از نظر مسئولین امور ، حتی يك روز هم غیبت داشت محکوم به کار اجباری بدون زندان به مدت شش ماه در محل کار خود میشد و حقوقش هم تا ۲۵ درصد کاهش مییافت . در تحت چنین قانون تجدید نظر شد مای ، هیچ کارگری کارش را ترك نمیکرد مگر بدلیل ناتوانی جسمی ، پذیرفته شدن در موسسات آموزشی و یا بـا اجازه از مقامات فوق .

پس از صدور این حکم هر گونه تلاش برای بدست آوردن گواهی پزشك بمنظور غیبت کردن از کار ، محکوم به مجازات های سنگین بود . برای نمونه ایزوسیتای ۱۷ اوت ۱۹۴۰ گزارش داد : " ت . و . تیمونین T.V.Timonin متولد ۱۹۱۵ ، در ۲۳ اوت به درمانگاهی مراجعه و درخواست گواهی پزشك کرد ، تا او را از کار کردن ، معذور بدارد . هنگامیکه حرارت سنج درجه بدن او را طبیعی نشان داد ، بسیار خستگین شد و شروع به فحاشی و هتاکی بسیار کرد . او در ۲۳ اوت به سه سال زندان محکوم شد و پس از اجرای حکم

از زندگی کردن در ۹ شهر محروم گشت.^{۶۰}

چند ماه پس از اعلام این قانون، زفانی به روزنامه‌ها نامه نوشتند و پیشنهاد کردند که خدمتکاران خانگی نیز باید شامل این قانون شوند.^{۵۹} این تفسیر متحیرکننده‌ایست در مورد پیشرفت در داخل شوروی که گرچه ایزوستیا با آن پیشنهاد مخالف بود اما هیچگونه شگفتی نسبت به این که چنین پیشنهادهایی در دوران انتقال سوسیالیسم به کمونیسم^{۶۱} داده میشود ابراز نکرد.

قوانین ضد اتلاف وقت کارگران گامی بود بسوی محتوای اعلامیه‌ای که در مجله کمیته حزبی مسکو، قسمت تبلیغ و ترویج درج گردید: "هر کس که ۴۸ دقیقه از کار تولیدی روزانه را تماماً کار نکند تحت انضباط و تادیب کاری قرار خواهد گرفت".^{۶۰} البته ناگفته نماند که هیچ کارگری در هیچ کجای دنیا بجز در شوروی شاهد چنین معیارهای "سوسیالیستی" نبود ماست!^{۶۱} در ۱۹ اکتبر ۱۹۴۰ حکم دیگری صادر شد که بر طبق آن به مدیران صنایع اجازه میداد تا به "نقل و انتقال اجباری مهندسين، تکنسین‌ها، سرکارگران، مستخدمین و کارگران ماهر از يك کارخانه و موسسه به کارخانه و موسسه دیگر اقدام کند".^{۶۱}

حکم صادره در ۲۶ دسامبر ۱۹۴۱ حکم وحشیانه دیگری بود در سلب آزادی طبقه کارگر. این حکم مجازات‌هایی بین ۵ تا ۸ سال زندان برای کارگرانی تعیین میکرد که صنایع نظامی را بدون اجازه ترك میکردند. (این محکومین در دادگاههای نظامی محاکمه میشدند).^{۶۲} حکم دیگری در ۱۵ آوریل ۱۹۴۳ صادر شد که کارگران راه آهن را تحت انضباط کامل نظامی قرار میداد. آنها میتوانند بر طبق قانون به امر مقام ما فوق دستگیر شوند و تا ۲۰ روز بدون محاکمه و فرصتی برای دادخواهی در بند بمانند.^{۶۳} قوانین مشابهی نیز در مورد کارگران نیروی دریایی و کشتیرانی داخلی، کارمندان پست و تلگراف، رادیو، برق و دیگران مقرر شد.^{۶۴} و مجازات‌های ترك شغل بدون اجازه همچنان بسیار سنگین بود.^{۶۵} البته این قوانین متعلق به زمان جنگ بود پس از جنگ نیز همچنان ادامه پیدا کرد.

در اواخر دهه ۱۹۲۰، بزودی پس از پیروزی دیوانسالاری استالینیست،

اعتصابات ممنوع شد و از آن پس اعتصاب کنندگان محکوم به مرگ بودند .
 پس از لغو محکومیت به مرگ، سخت ترین مجازات ۲۰ سال زندان تعیین شد .
 البته نام اعتصاب هرگز به زبان برده نمیشد . قانون زیر که در ۶ ژوئن ۱۹۲۷
 تصویب شد، تنها نمونه‌ایست از مجموعه قوانینی که میتواند توسط دادگاه‌ها بعنوان
 اعتصاب تفسیر شود : " خرابکاران ضد انقلاب ، یعنی کسانی که آگاهانه
 از وظایف خود سریاززند و یا آگاهانه بی دقتی کنند و عمدا باعث تضعیف
 قدرت دولت و یا نظام دولتی شوند ، برای مدتی که کمتر از یکسال نباشد
 از آزادی محروم میشوند و کلیه و یا بخشی از اموال آنان مصادره میشود .
 البته در شرایط حاد و جدی تر مجازات شدید تر میشود و شامل مقررات دفاع
 اجتماعی میگردد — یعنی محکومیت به تیرباران و مصادره اموال " ۶۶
 اهمیت قوانین کار استالینیستی در نوشته زیر بخوبی مشاهده میشود :
 وضعیت حقوقی در مقایسه با قوانین دوران نپ (سیاست نوین اقتصادی)
 یعنی هنگامی که هنوز کارخانه های خصوصی وجود داشتند و خیم تر شد .
 تمام آن راه هائی را که کارگران در دنیای سرمایه داری برای دفاع از حقوق
 خود استفاده میکنند — قوانین، دادگاهها ، سازمانهای اداری و اتحادیه —
 های کارگری — در شوروی تنها متعلق به کارفرمای کارگران صنایع هستند —
 یعنی متعلق به دولت . چهره دیگر قانون کار در شوروی امروز وجود تعداد
 بیشمار قوانین مجازات است . قانون کار در حقیقت همان قانون اجرا است ۶۷

کار زنان

در مجموع ، شرایط کارگران در شوروی مطمئنا دشوار است ، اما شرایط
 زنان کارگر بویژه وحشتناک است .
 قانون کار ۱۹۲۲ ، استخدام زنان (و نوجوانان) را ممنوع اعلام
 کرد . " بخصوص در تولیدات سنگین و غیر بهداشتی و کار در زیر زمین " ۶۸
 اما در ۱۴ نوامبر ۱۹۲۳ ، حکم صادره از طرف وزارت کار و شورای عالی
 اقتصادی ، استخدام زنان را تنها در کارهایی که مطلقا شامل حمل و نقل
 وسائل سنگین باشد و وزنش هم بیشتر از ۱۰ پوند روسی باشد (۴/۱ کیلو

گرم) مصنوع کرد ۱۰ اما حمل و نقل وسائل سنگینی را که وزنش تا ۴۰ پوند (۱۶ / ۴ کیلو گرم) و مستقیماً در رابطه با کار معمول زنان باشد و بیش از يك سوم کار روزانه را تشکیل ندهد ، به جاز اعلام کرد ۶۹۰

امروزه هیچيك از قوانین ایمنی دیگر وجود ندارند . برای نمونه ، زنان در معادن کار میکنند و اغلب بصخت ترین کارها نیز مشغولند و سردمداران شوروی معتقدند که این یکی از بزرگترین دست آورد هایشان است . زنان به حمل و نقل وسائل سنگین در صنعت ساختمان نیز میپردازند و به کارهای باراندازی ، ساختمان ریل راه آهن و غیره نیز مشغولند .

در ۱۹۳۲ ، شورای علمی وزارت کار از چهار موسسه تحقیقی متخصص در امراض ناشی از کار در نواحی معادن ذغال سنگ درخواست کرد تا در مورد تاثیر کار زیر زمینی بر روی زنان ، تحقیقاتی بعمل آورد . موسسه ناحیه معادن ذغال سنگ فققاز در مورد ۵۹۲ کارگر زن در معادن تحقیقات بهداشتی بعمل آورد ، ۱۴۸ نفر از آنان در روی زمین و ۴۴۴ نفر در زیر زمین کار میکردند و این موسسه باین نتیجه رسید که کار زیر زمینی در معادن برای زنان باردار بهیچوجه خطرناکتر از کار در روی زمین نیست . به علاوه ، تمام موسساتی که عهده دار چنین تحقیقاتی بودند به اتفاق آراء ، تصویب کردند که افزایش استخدام زنان در معادن که شامل کارهای زیر زمینی نیز میشود امکان پذیر است ، زیرا این کارها هیچگونه زیانی برای بهداشت زنان ببار نمی آورد ۷۰۰۰

به تصدیق مطبوعات شوروی ، زنان در معادن از کندن زمین تا بارگیری همه کاری انجام میدهند . یکی از ارگان های رسمی می نویسد : " برای اولین بار در دونتزابین Donetz Basin يك گروه از زنان بارگیر تشکیل شد ماست . اکنون ده نفر از پل بابیچوا Babicheva ، هر کدام روزانه چهارده تا پانزده تن ذغال سنگ بارگیری میکنند . این گروه ، خود دارای متصدی ماشین برش (بنام پائولینا تانتزیورا P. Tantsyura) است ! ۷

نویسنده رسمی دیگری در ۱۹۳۷ نوشت : " نکته بسیار جالب توجه اینست که زنان شوروی با کار کردن در صنایعی که زنان جوامع سرمایه داری از آنان محروم هستند به پیشرفت های فراوانی نائل گشتند و همچنان نیز

به این پیشرفت ها ادامه میدهند. در کشورهای سرمایه داری این نوع کارها را تنها در شان مردان میدانند و زنان را "طبیعتاً" از آن محروم میدارند. در نتیجه زنان جوامع سرمایه داری نقش بسیار بی اهمیتی در صنعت معادن سرمایه داری دارند. نسبت زنان به کل تعداد استخدام شده گان صنعت معدن از این قرار است: در فرانسه (۱۹۳۱) ۲/۷ درصد، ایتالیا (۱۹۳۱) ۱/۸ درصد، آلمان (۱۹۳۲) ۱/۶ درصد، آمریکا (۱۹۳۰) ۰/۶ درصد و بریتانیا ۰/۶ درصد. اما در شوروی زنان ۲۷/۹ درصد کل تعداد افرادی را که در صنایع معدنی کار میکنند تشکیل میدهند. در صنعت ساختمان نیز چنین تشابهی وجود دارد: در کشورهایی که در بالا به آنها اشاره شد، درصد برای این کار از ۰/۵ درصد (ایتالیا) تا ۲/۹ درصد (آلمان) است. اما در شوروی زنان ۱۹/۷ درصد کارگران ساختمانی را تشکیل میدهند. در صنایع فلزی این درصد از ۳ درصد (آمریکا) تا ۵/۴ درصد (بریتانیا) است. اما در صنایع فلزی شوروی ۲۴/۶ درصد تمام کارگران این صنعت زنان هستند. نویسندگان استالینیست این حقیقت را حذف کرده است که بجز شوروی، در دو کشور دیگر نیز یعنی هند و ژاپن زنان بسیاری در معادن کار میکنند و هر دو نیز بدلیل شرایط وحشتناک کارگران شهرت عالمگیری دارند. ۷۳.

شارلوت هالدین CH. Haldane که در آن هنگام، در خدمت رژیم استالین بود شاهد عینی شرایط وحشتناک کار زنان در ساختمان ریل راه آهن بود:

"در آرچنگل Archangel خط آهن سبکی بطول ۵ مایل در کنار ساحل میکشیدند. تمامی این کار توسط زنان انجام شد. مسیر کامل خط آهن در عرس ۴۸ ساعت کشید. شد. زنان شب و روز کار کردند روزها زیر نور خورشید و شبها در زیر نور چراغ. برف و یخبندان نیز تاثیری در کار آنان نداشت. مصدیان با زکیری هم همه ران بودند. کار

آنها بصورت شیفتی بود یعنی ۲۴ ساعت کار میکردند و ۲۴ ساعت استراحت داشتند در ساعات کارگاهی برای مدت يك یا دو ساعت استراحت های کوتاه مدتی داشتند که به کلبه های چوبی ساحلی میرفتند تا سوپ کلم و نان سیاه و چای مصنوعی صرف کنند و با لباس کار چرتی بزنند و دوباره به کار کردن ادامه دهند. ۷۴.

هیدوس Hindus یکی دیگر از هزاران استالین می نویسد :

"یکی از جنبه های جالب توجه زندگی در شوروی حضور زنان کارگر در همه جا است. آنها همه جا با بیل و کلنگ کار میکنند و دسته های الوار سنگین را حمل میکنند و چسرخ خاک کشی را میکشند. هنگامیکه راه آهن زیر زمینی مسکو ساخته میشود و زنان در کنار مردان در زیر زمین کار میکردند. يك منظره عادی در هر شهری دیدن زنان بنا است که همه جا به ساختن طاق و کارهای سنگین ساختمانی اشتغال دارند و در شیفت شب مانند شیفت روزکار آنان چشمگیر است." ۷۵.

حتی در این گزارشها گفته استخوانیاب را که "کار برای مردم در شوروی لذت بخش است" ۷۶ مسخره امیز جلوه میدهد.

کار اجباری

در شوروی کار اجباری به شکل های گوناگون و در مقیاس های مختلف وجود دارد. برای نمونه، بین رئیس کولخوز و مسئولین کارخانه های صنعتی، معادن و وسائل تغذیه قرار دادهایی انعقاد میشد که طبق آن رئیس

کولخوز عهدہ دار بکار گرفتن عدای کارگر میشود . ما در این بخش بهایین نوع کار اجباری نمی پردازیم ، بلکه با شدیدترین نوع آن برخورد میکنیم یعنی آن جا که در اردوگاههای اسرا ، نیروی کار بعنوان کالا خرید و فروش نمیشود زیرا کارگر خود آزادی قانونی ندارد .

تا پیش از نخستین برنامه پنجساله اقتصادی کار در زندان ، در سطح محدودی وجود داشت و اهمیت خاصی در اقتصاد شوروی نداشت . در ۱۹۲۸ فقط ۳۰۰۰۰ زندانی در اردوگاهها بسر میبردند و مسئولین مخالف وادار کردن آنان به کار بودند . در ۱۹۲۷ یک مقام رسمی که در راس اداره زندان قرار داشت چنین نوشت : " استثمار کار در زندان روشی برای مجبور کردن زندانیان به ریختن "عرق طلائی" است سازماندهی تولید در زندان از نقطه نظر تجاری سودآور و اما از نظر اصولی نادرست است چنین روشی در زندانهای شوروی بسیار نادر است . ۷۷۰۰ در آن هنگام ، ارزش کل تولید هم زندانیان مساوی بود با در صد کمی از مخارج نگهداری آنان .

اما با آغاز برنامه پنجساله اقتصادی این شرایط کلی تغییر کرد . کیسلیوف گروموف Kiseliov - Gromov که خرد قبلا مقام رسمی پلیس مخفی (ک . ب . او) در اردوگاههای کار شمال بود ، میگوید در ۱۹۲۸ تنها ۳۰۰۰۰ زندانی در اردوگاهها بسر میبردند . اما در ۱۹۳۰ جمع کل زندانیان در کلیه اردوگاهها به ۶۶۲ / ۲۵۷ نفر رسید . ۷۸ . و دالین V. Dallin در کتاب خرد بر اساس شهادت موجود نتیجه گیری میکند که در ۱۹۳۱ تقریبا ۲ میلیون نفر در اردوگاهها بسر میبردند و در ۳۵-۱۹۳۳ این تعداد به ۵ میلیون و در ۱۹۴۲ به ۸ تا ۱۵ میلیون نفر رسید . ۷۹ . انتون سلیگا Anton Ciliga رهبر حزب کمونیست یوگوسلاوی که خود سالها در یکی از بازداشتگاههای شوروی بسر برده بود ، ارزیابی کرد که در شوروی در دهه ۱۹۳۰ ، یعنی در اوج پاکسازی تعداد زندانیان به ۱۰ میلیون نفر بالغ میشد . ۸۰ .

میزان کار بردگی در شوروی را نه تنها میتوان از گزارشهای مطبوعات شوروی در باره مجازات های سنگین برای ابتدائی ترین جنایات مانند

دزدیدن نان^{*} ارزیابی کرد، بلکه از آمار رای دهندگان میتوان بطور غیرمستقیم به این حقیقت پی برد^{*} زیرا هر فرد ۱۸ سال به بالا در شوروی بجز زندانیان اردوگاههای کار اجباری دارای حق رای است^{*} بنا بر آمار ۱۹۳۹، ۵۸/۴ درصد جمعیت^{*} در سنین ۱۸ سال به بالا بودند که این رقم تا ۱۹۴۶ مطمئناً افزایش پیدا کرد^{*} یعنی در کل جمعیت، نسبت ۱۸ سال به بالا افزایش پیدا کرد^{*} چون نواحی جدیدی مانند لیتوانی و لیتوانیا به محدوده شوروی اضافه شدند^{*} اما نسبت کودکانی که در این سال نقاط دنیا آمدند کمتر از نسبت کودکانی بود که در محدوده شوروی در سال ۱۹۳۹ متولد شدند و جنگ نیز باعث افزایش مرگ و میر در میان کودکان و کاهش در تولد گردید^{*} با اینحال اگر باز هم فرض کنیم که نسبت افراد ۱۸ سال به بالا در ۱۹۴۶ بهمان اندازه ۱۹۳۹ بود^{*} از میان ۱۹۳ میلیون نفر جمعیت هنوز ۱۲/۷ میلیون نفر باید از ۱۸ سال به بالا بوده باشند^{*} اما تنها ۱۰۱/۷ میلیون نفر در انتخابات حق رای داشتند^{*} پس بنا بر چنین محاسباتی، لااقل ۱۱ میلیون نفر باید در اردوگاههای کار اجباری بسر میبردند^{*}

حقایق بسیار دیگری نیز در رابطه با وسعت اردوگاههای کار اجباری وجود دارد^{*} برای نمونه در جنگ دوم جهانی^{*} جمهوری ولگای آلمان^{*} به اصطلاح^{*} به دلیل وفادار نبودن به رژیم منحل شد^{*} و مردم آن همگانی تبعید شده و به احتمال بسیار زیاد به اردوگاههای کار فرستاده شدند^{*} در نقاطی از شوروی که پیش از این در اشغال آلمان بودند^{*} تعدادی از جمهوریها منحل شدند و هرگز در مطبوعات اشاره ای هم به آنها نشد^{*} تنها در ۱۷ اکتبر ۱۹۴۵، پروادا فهرستی از حوزه های انتخاباتی^{*} برای انتخابات عمومی انتشار داد که در آن مشهود شد که تعدادی از جمهوریها از فهرست حذف شده اند اما زمان منحل شدن این جمهوریها هرگز روشن نشد^{*} مهمترین آنان عبارت بودند از: جمهوری تاتار کریمه Crimean Tartar جمهوری کالموک Kalmuk^{*} جمهوری چچنو-انیکوس Checheno-Ingush و ناحیه معروف کاراجوف Karachev^{۸۱}، جمهوری مشهور کاباردینیان^{*}

* در این مورد در صفحات بعد به تفصیل نوشته میشود.

بالکار Kabardinian Balkar پس از اخراج بالکارها به جمهوری
 کاباردینیان Kabardinian تبدیل شد.^{۸۲} جمعیت این دو
 ناحیه بیش از ۲ میلیون نفر بود که هیچگونه اطلاع رسمی از سرنوشت آنها در
 دست نیست و احتمالاً آنان نیز همگی به اردوگاههای کار اجباری فرستاده شدند.
 اما آشکارترین نشانه میزان وسعت کاربردگی در شوروی را میتوان در
 ماحذ رسمی شوروی "برنامه دولت بمنظور توسعه اقتصاد ملی شوروی برای سال
 ۱۹۴۱" پیدا کرد.^{۸۳} بنابر اطلاعات این ماحذ، در ۱۹۴۱ ارزش تولید
 خالص کلیه موسسات تحت مدیریت NKVD (ان.کا.و.د. سازمان پلیس مخفی
 (مترجم)) ۱۹۶۹ میلیون روبل به قیمت سالهای ۲۷ / ۱۹۲۶ برنامه —
 ریزی شده بود.^{۸۴} در حالیکه در سال ۱۹۲۵ جمع تولید از کار تمام
 زندانیان، ۳ / ۸ میلیون روبل بود.^{۸۵} یعنی افزایشی معادل ۵۰۰ برابر
 سال ۱۹۲۵! و اگر تولید کار هر کارگر زندانی سال ۱۹۴۱ را برابر با
 زندانی ۱۹۲۵ فرس کنیم، در حدود ۱۵ میلیون کارگر برده وجود داشته
 است. احتمالاً باروری کار در اردوگاههای سال ۱۹۴۱ به مراتب بیشتر از
 سال ۱۹۲۵ بوده است و احتمالاً ارزیابی تولید موسسات NKVD ان.کا.و.
 د. به "قیمت ثابت سالهای ۲۷ / ۱۹۲۶" مبالغه آمیز بوده است. سرانجام
 پس از اصلاحات ضروری در این محاسبات، کاملاً بدیهی است که میلیونها اسیر
 در اردوگاههای کار وجود دارند.

محاسبه دقیق تعداد بردگان در اردوگاهها بدلیل نبودن آمار رسمی
 امکان پذیر نیست. تا دهه ۱۹۳۰، تعداد قابل توجهی آمار در مورد
 دادگاهها، زندانها و زندانیان منتشر میشد اما از آن پس انتشار این
 گونه ارقام متوقف گردید. نشانههای بیماری رژیم از آنجا نمایان میشود که
 کتابی بنام آمارهای دادگاه توسط ا.ا. گرتسنزون A.A. Gertsenzon
 (در مسکو ۱۹۴۸) انتشار یافت که شامل آمار واقعی درباره کشورهای
 آمریکا، بریتانیا، آلمان، کانادا، هندوستان، بلژیک، دانمارک،
 فنلاند، ایتالیا، یونان، هلند، اطریش، سوئد، سوئیس و نروژ بود اما
 در مورد شوروی تنها به سالهای ۱ و ۲ و غیره و نواحی ۱ و ۲ و غیره اشاره
 میکرد و مشخص نبود که درباره چه سالهایی و چه نواحی بودند و تنها

به اشاره به این مطلب که این نواحی دارای ۴/۷ میلیون جمعیت است اکتفا میکند و از آنجا که این رقم با در نظر گرفتن کل جمعیت شوروی ، درصد بسیار کوچکی است ، هیچگونه ارقام درست و یا حتی يك روند کلی هم نمیتوان از آن بدست آورد .

این مسئله بسیار قابل توجه است که آمار منتشر شده ۱۹۲۹ شامل توزیع جمعیت بر حسب نواحی مختلف نیست . چنین اطلاعاتی که در هر جدول آمار مشاهده میشود میتواند تعیین کننده تعداد دقیق بردگان در اردوگاهها باشد . زیرا نواحی ای وجود دارد که قطعا هیچ جمعیت آزاد ندارند .

با فرمان عفو ۲۷ مارس ۱۹۵۳ ، حضور کودکان ، مادران ، زنان باردار ، مردان و زنان که نسل در نسل در اردوگاههای کار شوروی به ثبوت رسید . با این فرمان * زنان دارای کودکان زیر ۵ سال ، مردان بیش از ۵۵ سال و زنان بیش از ۵۰ سال ، و همچنین محکومینی که به بیماری های غیرقابل درمان و وخیم مبتلا بودند *^{۸۶} از زندانها و اردوگاههای کار آزاد شدند .

معمولا کار اجباری بسیار غیر مولد است ، اما دولت شوروی در سطح وسیعی از این روش استفاده میکند . زیرا در مقایسه با کشورهای اروپای غربی و آمریکا ، سرمایه اش به نسبت نیروی انسانی آن بسیار نا چیز است . و همچنین علیرغم آن در خدمت غلبه بر مشکلاتی که کمبود کار در برخی نقاط و یا صنایع ایجاد میکند قرار میگیرد . در تمام طول تاریخ هنگامیکه نیروی کار کمیاب میشود ، ما نند اروپای غربی در قرنهای ۱۴ ، ۱۵ ، و ۱۷ ، دولت ها از طریق یکرشته مقررات قانونی، آزادی کارگران را محدود میسازند . در اردوگاههای استالین برده ها مشابه بدترین نوع " ارتش ذخیره " در سرمایه داری سنتی هستند که با استفاده از آنان کارگران دیگر را " سر جای خود مینشانند " . بعلاوه ، باید بیاد داشت که در شوروی بدلیل شرایط بسیار دشوار کار در برخی نقاط، کارگرانی که کاملا یا تا حدی آزاد هستند که کار و محل کار خود را انتخاب کنند، بهیچوجه حاضر بکار در آن شرایط نیستند مسئولین برای وادار ساختن آنان بکار ، به دادن جایزه و پرداخت اضافه کار متوسل میشوند .

با وجود سطح بسیار پائین بازاری کار ، در چنین مواردی کاربردهای اگر تنها راه ممکن نباشد ، ارزانترین وسیله است . نمونه زیر از مقالهای در

ایزوستیافته شد ماست که عملیات ساختمانی خط آهن جدیدی در سیبری را بوسیله کار اجباری شرح میدهد: "تا کنون بنظر میرسید که چون در این ناحیه زمستان بسیار سرد است و سرما تا ۵۰ درجه زیر صفر میرسد، فصل ساختمان بیش از صد روز در سال نباشد، اما کارگران ساختمانی ثابت کردند که حتی در چنین شرایطی، کار کردن در تمام سال و بدون وقفه امکان پذیر است." ۸۷

این فصل را نمی توان بدون نقل قول از ویشینسکی Vyshinsky خاتمه داد: "برای ما تصمیم گیری درباره انضباط کاری بجهت علاقه ما به کار، آگاهی سوسیالیستی و احساس وظیفه غرورآمیز نسبت به دولت، سرزمین و مردم شوروی است و نه تنبیه و تهدید به مجازاتهای جنائی که روش کشورهای سرمایه داری است." ۸۸

تسلط انباشت سرمایه بر مصرف - تسلط وسائل تولید بر کارگران

در نظام سرمایه داری مصرف خود بها تحت تسلط انباشت سرمایه است. گاهی مصرف همزمان با انباشت سرمایه افزایش پیدا میکند و گاهی مصرف کاهش مییابد در حالیکه انباشت سرمایه رو به افزایش میرود. اما همیشه در هر شرایطی روابط بنیانی همچنان باقی میماند.

اگر ما تاریخ شوروی را از انقلاب اکتبر دنبال کنیم، می بینیم که تا زمان برنامه پنجساله اقتصادی چنین تسلطی وجود نداشت اما از آن پس این تسلط خود را با سبعیت بی نظیری نشان داد. جدول زیر گواه این مدعی است: ۸۹

تقسیم تولید خالص صنایع به وسائل تولیدی و وسائل مصرفی (به درصد)

(برنامه ریزی شده):

۱۹۱۳	۱۹۲۷/۲۸	۱۹۳۲	۱۹۳۷	۱۹۴۰	۱۹۴۲
وسائل تولیدی:					
۴۴/۳	۳۲/۸	۵۳/۳	۵۷/۸	۶۱	۶۲/۲
وسائل مصرفی:					
۵۵/۷	۶۷/۲	۴۶/۷	۴۲/۲	۳۹	۳۷/۸

این ارقام گویای همه واقعیت نیست زیرا چنین محاسبه رسمی اهمیت لازم به

این حقیقت نداد ما است که مالیات کل فروش* اساساً به وسائل مصرف تحمیل شده و کمک‌ها تقریباً بطرز ویژه‌ای به وسائل تولیدی اختصاص داده شده است و از این رو در روش قیمت‌گذاریها تحریف شده است. به جدول زیر که باعث تحریف روش قیمت‌ها است توجه کنید.

ارقام موجود در رابطه با تغییر در میزان تولید کالا های مصرفی آنقدر ناچیز است که براستی در تشریح آنها با مشکلات فراوانی روبرو میشویم. گنجاندن کالا هایی مانند نان در محاسبه که افزایش تولید آن بازتاب افزایش کلی در تولید نیست نادرست است، زیرا تولید نان از روش خانگی که در آمار ذکر نمیشد، به تولید نان در صنعت که در آمار ذکر میگردد تبدیل گشت.

گشت ۱۹۱۳ ۱۹۲۸/۲۹ ۱۹۳۲ ۱۹۳۷ ۱۹۴۵ ۱۹۴۹ ۱۹۵۰

کالا های پنبه‌ای (هزار میلیون متر) :

۲/۹ ۲/۷۴ ۲/۷ ۳/۴ ۱/۷ ۳/۷ ۳/۸

کالا های پشمی (میلیون متر) :

۹۵ ۹۶/۶ ۹۱/۳ ۱۰۸/۳ ۵۶/۹ ۱۵۳/۹ ۱۶۷

کفش چرمی (جفت) :

— ۲۳/۲ ۸۲ ۱۶۴/۲ ۶۰ ۱۵۶ ۲۰۵

شکر خام (هزار تن) :

۱۲۹۰ ۱۳۴۰ ۸۲۸ ۲۴۲۱ — — ۲۵۲۲

کاغذ (هزار تن) :

۱۹۷ ۳۱۶ ۴۷۸/۵ ۸۳۱/۵ — — —

جوراب (میلیون جفت) :

— — ۱۵۴ ۴۰۱ ۸۳ ۳۴۰/۳

کتان (میلیون متر) :

— ۱۶۲ ۱۳۰ ۲۷۸ — — —

صابون (هزار تن) :

— — ۳۵۷/۲ ۴۹۵ — — ۸۶۶

* Turnover کل فروش (درآمد کل فروش يك داد و ستد)

Turnover tax مالیات کل فروش (مالیات کل فروش يك داد و ستد)

این جدول نشان دهنده افزایش بسیار کمی در تولید کالاهای مصرفی
بجز در کفش چرمی، کاغذ و شکر است.

در مورد تشریح این ارقام باید در نظر داشت که در حالیکه ارقام
۱۹۱۳ در محدوده کوچک شوروی پس از انقلاب تنظیم شده است، ارقام
۱۹۴۵ و ۱۹۴۹ به نسبت محدوده بسیار بزرگتر شوروی پس از جنگ تنظیم
نگردیده است (نواحی جدیدی که از ۱۹۳۹ و از آن پس به محدوده شوروی
افزوده شد لیتوانی Lithuania، لیتویا Latvia، استونی Esthoni
و شرق لهستان و غیره نامیده شدند. به علاوه دستکم تا ۱۹۲۸، کارخانه های
بسیار کوچک، اهمیت بسزائی در تولید وسائل مصرفی داشتند. در ۱۹۲۹،
کارخانه های صنعتی بزرگ — که منظور از آن کارخانه هائی است که بیش
از ۳۰ نفر استخدام میکردند و یا دارای بیش از ۱۵ ماشین بودند — ۲/۳
میلیون نفر در استخدام داشتند. در حالیکه صنایع کوچک قادر به استخدام
۵/۴ میلیون نفر بودند.

البته در دوران برنامه پنجساله اقتصادی کالاهائی که از این طریق
تولید میشد از آمار استالینیست ها حذف گردید. شاید این امر علت افزایش
عظیم تولید کفش چرمی (بر روی کاغذ) را بیان کند. افزایشی که با موجودی
چرم مطابقت نداشت. زیرا تعداد سالیانه ذبح حیوانات پس از اشتراکشی
شدن، هرگز به تعداد سابق نرسید و در ۱۹۳۸ بود که تعداد کـل
احشام به سطح ۱۹۲۹ رسید. (در ۱۹۲۹ تعداد گاو ۶۸/۱ میلیون
و گوسفند و بز ۱۴۷/۲ میلیون و در ۱۹۳۸ تعداد گاو ۶۳/۲ میلیون و گوسفند
و بز ۱۰۲/۱ میلیون بود).^{۹۱} به علاوه افزونه واردات پوست خام، پوست
و حرم در مقابل صادرات به ۳/۴۵ هزار تن در سال ۱۹۲۷-۲۸ رسید، اما در
۱۹۳۹ این رقم تنها ۶/۱۵ هزار تن بود.^{۹۲} البته با توجه به کاهش
موجودی چرم، افزایش تولید کفش چرمی تنها در صورت معجزه امکان پذیر
بود و در مورد جوراب واقعیت مهم غیر قابل انکار اینست که اکثر آن توسط
صنعتکاران تهیه میشد. اما در مورد کاغذ، با توجه به نیاز تبلیغاتی دولت،
نیاز اداری و نیاز فرهنگی که مربوط به صنعتی کردن میشد، تولید بدون شک
بمیزان وسیعی افزایش یافت.

تسلط تولید بر مصرف را میتوان به آسانی با مقایسه اهداف تولید کالای مصرفی در برنامه های پنجساله اقتصادی متعدد و کالای تولیدی مشاهده و ثابت کرد که دولت شوروی در حالیکه با هر برنامه پنجساله فول میدهد که تولید وسائل مصرفی را افزایش دهد و در هر برنامه پنجساله اقتصادی، هدف برنامه را طوری تنظیم میکند که این میزان تولید از هدف برنامه پیشین تجاوز نکند. جدول زیر بروشنی نشان دهنده این حقیقت است: ۹۳

اهداف تولید برای پایان برنامه های پنجساله اقتصادی

برخی از وسائل مصرف:

اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم
کالای پنبه ای (هزار میلیون متر) :				
۴/۷	۵/۱	۴/۹	۴/۷	۶/۱
کالای پشمی (میلیون متر) :				
۲۷۰	۲۲۷	۱۷۷	۱۵۹	۲۵۷
کتان (میلیون متر) :				
۵۰۰	۶۰۰	۳۸۵	—	—
جوراب (میلیون جفت) :				
—	۷۲۵	—	۵۸۰	—
کفش (میلیون جفت) :				
۸۰	۱۸۰	۲۵۸	۲۴۰	۳۱۸
صابون (هزار تن) :				
—	۱۰۰۰	۹۲۵	۸۷۰	—
شکر (میلیون تن) :				
۲/۶	۲/۵	۳/۵	۲/۴	۴/۳

کاغذ (هزار تن) :

۹۰۰	۱۰۰۰	—	۱۳۴۰	۱۷۴۰
-----	------	---	------	------

روغن نباتی (هزار تن) :

۱۱۰۰	۷۵۰	۸۵۰	۸۸۰	۱۳۷۲
------	-----	-----	-----	------

برخی از وسائل تولید :

جریان برق (میلیارد کیلووات) :

۲۲	۳۳	۷۵	۸۲	۱۶۲ / ۵
----	----	----	----	---------

ذغال سنگ (میلیون تن) :

۷۵	۱۵۲ / ۵	۲۴۳	۲۵۰	۳۷۲
----	---------	-----	-----	-----

آهن خام (میلیون تن) :

۱۰	۱۷ / ۴	۲۲	۱۹ / ۵	۳۴ / ۱
----	--------	----	--------	--------

فولاد (میلیون تن) :

۱۰ / ۴	۱۷	۲۸	۲۵ / ۴	۴۴ / ۲
--------	----	----	--------	--------

نفت (میلیون تن) :

۲۱ / ۷	۴۶ / ۸	۵۴	۳۵ / ۴	۶۹ / ۹
--------	--------	----	--------	--------

هنگامیکه دولت شوروی با مباحثات اعلام میدارد که " در ۱۹۵۰، تولید کالای پنبه ای را به میزان ۴ / ۷ میلیارد مترمیرسانیم " از اینکه در ۲۰ سال پیش نیز که جمعیت شوروی در حدود ۵۰ میلیون نفر کمتر از امروز بود، چنین قولی را داده شرم نمیکند همانطور که شرمی ندارد از اینکه، پلیس و تالیفات شوروی سعی دارند که خاطره ها را هم به سطح کالاها کاهش دهند .

اکنون اگر به مسأله تولید بپردازیم، می بینیم که نه تنها اهداف تولید کالاهای مصرفی کمتر از اهداف تولید کالاهای سرمایه ای است بلکه (بر طبق ارقام رسمی) درجه تحقق یافتن این اهداف نیز برای تولید کالای مصرفی بسیار کمتر از کالای سرمایه ای است :

درصد عملی شدن افزایش تولید بر طبق برنامه در نخستین ، دومین و چهارمین
برنامه پنجساله اقتصادی ۹۴

وسایل تولید	نخستین	دومین	چهارمین
ذغال سنگ	۷۲ / ۳	۷۱ / ۵	۱۱۲ / ۹
نفت خام	۱۰۷ / ۱	۳۳ / ۶	۱۵۴ / ۵
برق	۴۹ / ۱	۹۳ / ۵	۱۲۴ / ۶
آهن خام	۴۳ / ۳	۸۳ / ۸	۹۷ / ۸
فولاد	۲۴ / ۴	۱۰۶ / ۴	۱۲۶ / ۸
روکش فولاد	۱۹ / ۳	۱۰۰	۱۶۳ / ۸
سیمان	۳۶ / ۳	۴۹ / ۱	۹۵ / ۷
وسایل مصرف:			
کالای پنبه‌ای	۳	۳۱	۸ / ۸
پشمی	۳ / ۳	۱۰ / ۶	۱۱۹ / ۳
کفش	۲۶ / ۱	۸۳ / ۳	—
کاغذ مقوا	۳۲ / ۲	۵۲ / ۱	۷۲ / ۳
کبریت	۱ / ۶	۲۵ / ۴	—
صابون	۳۶ / ۹	۲۱ / ۷	۹۶ / ۷

انباشت سرمایه از یکسو و فقر از سوی دیگر

تا ۱۹۲۸ء بدون در نظر گرفتن رشد دیوانسالاری، همچنانکه در
جدول زیر مشاهده میشود، انباشت آهسته ثروت در اقتصاد دولت با افزایش
فقر ناهم‌هنگ بود :

سال	میلیون روبل بقیمت ۱۹۲۶/۷	شاخص ۱۹۲۶/۷ = ۱۰۰	سال	دستمزد واقعی ^{۹۶}
۱۹۲۱	۷۹۳۰	۱۰۰	۱۹۱۳	۱۰۰
۱۹۲۲	۷۹۳۵	۱۰۰/۱	۱۹۲۲-۳	۴۷/۳
۱۹۲۳	۷۹۶۹	۱۰۰/۵	۱۹۲۳-۴	۶۹/۱
۱۹۲۴	۸۰۱۶	۱۰۱/۱	۱۹۲۴-۵	۸۵/۱
۱۹۲۵	۸۱۰۵	۱۰۲/۲	۱۹۲۵-۶	۹۶/۷
۱۹۲۷	۹۱۵۱	۱۱۵/۴	۱۹۲۶-۷	۱۰۸/۴
۱۹۲۸	۹۸۴۱	۱۲۴/۱	۱۹۲۷-۸	۱۱۱/۱
—	—	—	۱۹۲۸-۹	۱۱۵/۶

بدینسان حتی بر طبق محاسبات پروفیسور پروکوپویچک Prokopovicz وزیر سابق دولت کرنسکی که بدون شک از هواداران بلشویکها نبود، دستمزد واقعی کارگران شوروی در ۱۹۲۸-۲۹، ۱۵/۶ درصد بالا تر از زمان پیش از جنگ بود. در همین دوران ساعات کار ۲۲/۳ درصد کمتر بود. اگر ما خدمات اجتماعی را نیز بحساب آوریم افزایش در دستمزد واقعی، بیشتر مشخص میشود. این جدول نکته دیگری را نیز آشکار میسازد که در آخرین سالهای پیش از آغاز برنامه پنجساله اقتصادی، از آنجا که دیوانسالاری به تقویت خود پرداخت، افزایش دستمزد واقعی متوقف شد و میزان افزایش دستمزد از میزان انباشت عقب ماند.

با آغاز برنامه پنجساله اقتصادی وضع دگرگون شد، از آن پس انباشت بسرعت پیشی گرفت، در حالیکه سطح زندگی توده ها نه تنها از آن بسیار عقب ماند بلکه حتی در مقایسه با ۱۹۲۸ کاملاً کاهش یافت. جدول زیر میزان انباشت را مشخص میدارد:

سرمایه گذاری (هزار میلیون روبل جاری)

د صنایع	جمع			
۴ / ۴	۲۶ / ۵	۱۹۲۷-۸	تا	۱۹۲۳-۴
۲۴ / ۸	۵۲ / ۵	۱۹۳۲	تا	۱۹۲۸-۹
۵۸ / ۶	۱۱۴ / ۷	۱۹۳۷	تا	۱۹۳۳
۱۱۱ / ۹	۱۹۲	۱۹۴۲ (برنامه)	تا	۱۹۳۸
—	۲۵۰ / ۳	۱۹۵۰ (برنامه)	تا	۱۹۴۶

حتی اگر کاهش در ارزش روبل را نیز در این سالها در نظر نگیریم ، با نگاهی به این جدول کاملاً بدیهی است که انباشت سرمایه عظیمی صورت گرفته است . با قیمت های سال ۱۹۳۳ ، سرمایه ثابت صنایع شوروی در ۱۹۲۸ ،

۳ / ۱۰ میلیارد روبل بود که این رقم در ۱۹۳۲ به ۶ / ۲۲ میلیارد روبل و در ۱۹۳۷ به ۹ / ۵۹ میلیارد روبل افزایش پیدا کرد .^{۹۸}

از سال ۱۹۲۸ ، مقامات شوروی از انتشار شاخص واقعی دستمزدها و سطح زندگی مردم و از سال ۱۹۳۱ ، از انتشار قیمت های عمده ، فروشی و خرید ، فروشی بکلی خودداری کردند ، بدین سان ، محاسبه تغییر سطح دستمزدها واقعی به یار دشوار است . تمام شواهد نشان دهند ، این حقیقت هستند که در مجموع از زمان آغاز برنامه های اقتصادی سطح دستمزدها دیگر افزایش نیافت . برای نمونه قدرت خرید میانگین دستمزدها بر حسب مواد غذایی بدین سان کاهش پیدا کرد :^{۹۹}

سبد مواد خوراکی ماهانه بر حسب دستمزد ماهانه

سال	تعداد	شاخص
۱۹۱۳	۷ / ۳	۱۰۰
۱۹۲۸	۶ / ۵	۴ / ۱۵۱
۱۹۳۲	۸ / ۴	۷ / ۱۲۹
۱۹۳۵	۹ / ۱	۴ / ۵۱
۱۹۳۷	۴ / ۲	۹ / ۶۴
۱۹۴۰	۲	۱ / ۵۴

آمار مصرف واقعی برخی از مواد غذایی بر حسب هر نفر از جمعیت متائید کنند. محاسبه تغییر در قدرت خرید دستمزدها در مورد مواد غذایی است.

مصرف سالیانه شیر و گوشت بر حسب هر نفر از جمعیت (کیلوگرم) ۱۰۰

شیر			گوشت		
سال	جمع	روستا	شهر	جمع	روستا
۱۹۲۷-۸	۱۸۹	۱۸۳	۲۱۸	۲۷/۵	۲۲/۶
۱۹۳۲	۱۰۵	۱۱۱	۸۵	۱۳/۵	۱۰/۳
۱۹۳۷	۱۳۲	۱۲۶	۱۴۴	۱۴	۸/۵

برای نمونه، مقایسه مصرف گوشت در شوروی در سال ۱۹۳۷ با آلمان یا فرانسه در آخرین دهه‌های قرن نوزدهم نشان می‌دهد که تا چه حد مصرف مواد غذایی در شوروی کاهش پیدا کرد. در ۱۸۹۸ مصرف گوشت در برلین بین ۱۳۰ تا ۱۵۰ پوند (۶۱ و ۶۸ کیلوگرم) بر حسب هر نفر در نوسان بود و در سالهای ۸۹-۱۸۸۰ در برسلو **Breslav** میانگین آن ۶۸ پوند (۳۹ کیلوگرم) بر حسب هر نفر بود. در فرانسه نیز مصرف گوشت در ۱۸۵۲ چنین بود: در پاریس ۷۹/۳۱ کیلوگرم، در شهرهای دیگر ۵۸/۸۷ کیلوگرم، در روستاها ۲۱/۸۹ کیلوگرم و در کل فرانسه ۳۳/۰۵ کیلوگرم ۱۰۱۰. در مورد مصرف برخی از کالاهای صنعتی مصرفی نیز اطلاعات زیر از منابع رسمی شوروی دست چین شده است.

جزئی **Jasny** با توجه به اطلاعات بدست آمده بر اساس ارقام رسمی تولید کالاهای پنبه‌ای و کفش بر اساس بیانیه وزنسنسکی **Voznesensky** درباره بخشی از آن که به مصرف ارتش و البسه کار و غیره میرسد ۱۰۲ در مورد مصرف این کالاها توسط مردم عادی به نتیجه گیری زیر میرسد:

"مقدار کالای پنبه‌ای موجود برای مصرف خصوصی از ۱۵/۲ متر بطور سرانه در سالهای ۱۹۲۷-۲۸ به کمتر از ۱۰ متر در ۱۹۴۰ کاهش پیدا کرد ۱۰۳۰۰ اگرچه تعداد کفش‌های موجود بطور سرانه از ۰/۴۰ جفت در ۱۹۲۷-۲۸ به ۰/۸۳ جفت در ۱۹۴۰ افزایش پیدا کرد، اما در همین هنگام بدلیل کمبود

چرم ، مرغوبیت کفش بشدت کاهش یافت ۱۰۴۰. مصرف سرانه کالاهای پشمی که شامل سهیمیه ارتش ، البسه کار و غیره نمیشد در ۱۹۲۹ ، ۰/۶۶ متر بود و در ۱۹۳۷ به ۰/۶۵ رسید . شکر خام در ۱۹۲۹ ، ۸/۵ کیلوگرم و در ۱۹۳۷ ، ۱۴/۷ کیلوگرم بود ۱۰۵۰

با نگاهی به ارقام تولید کالا های مصرفی کشورهای دیگر ثابت میشود که تا چه حد این ارقام در شوروی پائین بوده است :^{۱۰۶} در بریتانیا در همین سال یعنی ۱۹۳۷ ، بطور سرانه کالاهای پنبهای ۶۰ متر مربع ، کالاهای پشمی ۷/۴ متر و کفش چرمی ۲/۲ جفت تولید میشد . با توجه به چنین واقعیت های تلخی است که ثابت میشود ، گیباشو Kuibyshev آخرین رئیس گاسپلان Gosplan (کمیسیون برنامه ریزی) چه لطیفه گوی خوبی بود که در هفتمین کنفرانس حزب در ژانویه ۱۹۳۲ اعلام کرد که :

" ما معتقدیم که بسیار ضروری است تا در دومین برنامه پنجساله اقتصاد ی چنان توسعهای را برای تولید مواد غذایی و صنایع سبك و کشاورزی تضمین کنیم که بتواند حداقل ۲ تا ۳ برابر افزایش در سطح مصرف را تامین کند ... محاسبه تقریبی سطح مصرف در ۱۹۳۷ با نشان میدهد که میتوان ادعا کرد که در این سال ، شوروی از جهت سطح مصرف پیشرفتهترین کشور دنیا خواهد بود ۱۰۶۰

اما شدیدترین تجلی تسلط نیاز به انباشت سرمایه را بر سطح زندگی کارگران میتوان در شرایط مسکن مردم شوروی مشاهده کرد .

از آغاز برنامه پنجساله اقتصادی ، برنامه های خانه سازی دولت و تعاونی ها دیگر به انجام نرسید . جدول زیر گواه این واقعیت است : ۱۰۷

مسکن	هدف	قابل حصول	درصد انجام شده
------	-----	-----------	----------------

(به میلیون مترمربع)

اولین برنامه پنجساله	۵۳	۲۲/۶	۴۲/۶
دومین برنامه پنجساله	۶۱/۴	۲۶/۸	۴۳/۹

سومین برنامه پنجساله بدلیل جنگ معلق گردید و در نتیجه ، محاسبه اینکه اهداف برنامه خانه سازی تا چه حد به انجام رسید بسیار دشوار است .

در همان دوران جمعیت شهرها، به سرعت افزایش پیدا کرد. و بدینسان شکست در انجام اهداف برنامه خانه سازی حتی در مقایسه با سطح نازل سال ۱۹۲۸ سبب کاهش بیشتر فضای محل سکونت بر حسب هر نفر در شهرها گشت: ۱۰۸

سال	جمعیت شهرها به میلیون نفر	فضای زندگی در شهر* جمع به میلیون مترمربع برای هر نفر حسب مترمربع
۱۹۲۳	۱۸/۹	۱۱۸/۴
۱۹۲۷-۲۸	۲۶/۳	۱۰۶/۲
۱۹۳۲	۳۹/۷	۱۸۵/۱
۱۹۳۷	۵۰/۲	۲۱۱/۹
۱۹۳۹	۵۵/۹	۲۲۵

بر اساس یلعبیانیه رسمی در ۱۹۴۲، حداقل معیار بهداشتی برای فضای زندگی، ۸/۲۵ متر مربع بوده است. بدین سان بنا بر جدول بالا، در تمام آن سالها، شرایط زندگی در چنین فضای تنگی از حداقل معیارهای بهداشتی محروم بوده است. ۱۰۹

در ۱۹۴۹ در کشورهای دیگر، فضای خانه بر حسب هر نفر بدین ترتیب بود: دانمارک ۲۱ متر مربع، ایرلند ۱۷، سوئد ۲۳، بلژیک ۱۵، فرانسه ۲۳، یونان (تخمینی) ۱۶، ایتالیا ۱۲ متر مربع. ۱۱۰

برای روشن تر شدن معنای ۴ متر مربع فضای زندگی، میتوان در نظر گرفت که در بریتانیا حداقل فضای تعیین شده در ساختمانهای جدید بین ۵۵۰ تا ۹۵۰ فوت مربع (در حدود ۵۱-۸۸ متر مربع) برای سکونت است. ۱۱۱

کاهش میانگین فضای سکونت برای هر فرد بیشتر در مسکوه لنینگراد و دیگر مراکز صنعتی محسوس است تا نقاط دیگر.

مقالهای در نشریه اخبار شوروی در تمجید و ستایش از وضع مسکن در مسکو چنین می نویسد: "بهبود شرایط مسکن در شوروی را میتوان در مسکو، به بهترین وجه مشاهده کرد. مسکو برای پایتخت های دنیا، نمونه ای است

* فضای آشپزخانه، حمام، هال و غیره در نظر گرفته نشده است (شامل این فضا نیست).

از توسعه شهرهای مدرن ۰ از زمان آغاز قدرت شوروی ۰ ۶۵ میلیون فسوت مربع در مسکو خانه سازی شده است ۰ در تمام دوران موجودیت شهر مسکو، پیش از انقلاب ۰ حتی نصف این مقدار هم ساخته نشده بود ۰ و هر سال هم نیز خانه سازی در سطح بیشتری ادامه دارد ۱۱۲۰۰ واقعیتی که مقامات شوروی با زیرکی از آن میگیرند ۰ اینستکه جمعیت مسکو به نسبت خانه سازی، به مراتب افزایش بیشتری داشته است ۰ در ۱۹۱۲، جمعیت مسکو ۱ ۶۰۰ ۰۰۰ نفر بود و ۱۱ ۹۰۰ ۰۰۰ متر مربع فضای مسکونی داشت، یعنی بطور متوسط ۷/۴ متر مربع برای هر فرد ۰ در ۱۹۳۹، جمعیت مسکو ۴ ۱۳۷ ۰۰۰ نفر و فضای مسکونی آن ۱۷ ۴۰۰ ۰۰۰ متر مربع یعنی بطور متوسط ۴/۲ متر مربع برای هر فرد و در ۱۹۵۰ جمعیت این شهر ۵۱۰۰۰۰۰ نفر و فضای مسکونی ۱۸ ۶۰۰ ۰۰۰ متر مربع یعنی بطور متوسط ۳/۶۵ متر مربع برای هر فرد بود ۰

خانه ها با روش های ابتدائی ساخته میشوند ۰ برای نمونه ۰ از تمام خانه های شهری که در ۱۹۳۵ ساخته شدند ۰ ۳۲ درصد آنها فاقد آب مصرفی ۰ ۳۸ درصد فاقد فاضلاب ۰ ۹۲/۷ درصد فاقد گاز و ۵۴/۷ درصد فاقد حرارت مرکزی بودند ۰ ۱۱۳ در حالیکه در ۱۹۳۹ در خانه های جدیدی که زیر نظر شورای شهر در منطقه RSFSR قرار داشتند شامسل بهترین ساختمانهای مسکونی بودند ۰ درصد فضای مسکونی با مزایای زیر بدین شرح بود : لوله کشی آب ۶۰/۵ درصد ۰ فاضلاب ۴۳/۷ درصد ۰ حرارت مرکزی ۱۷/۵ درصد ۰ برق ۹۳/۸ درصد ۰ حمام ۱۱/۷ درصد ۱۱۴ تمام شهرها بکلی فاقد ابتدائی ترین وسائل آسایش بودند ۰ و چنانکه در هولند است که برای نمونه چهارمین برنامه پنج ساله اقتصادی متعهد ساختن فاضلاب در ۱۳ شهر میشد از جمله آرجانگلز Archangels (با ۲۸۱۰۹۱ نفر جمعیت در ۱۹۳۹) ۰ تامسک Tomsk (با ۲۱۵ ۱۴۱ نفر جمعیت در ۱۹۳۹) ۰ ایرکوتسک Irkutsk (با ۳۸۰ ۲۴۳ نفر جمعیت در ۱۹۳۹) ۰ و خرسن Khercen (با ۱۸۶ ۹۷ نفر) ۱۱۵ از ۲۳۵۴ شهر و نواحی مسکونی کارگری، فقط ۴۶۰ ناحیه دارای لوله کشی و ۱۴۰ ناحیه دارای فاضلاب و ۶ ناحیه دارای گاز بودند ۱۱۶

اینها حقایق هستند که بیانیه رسمی زیر بر اساس آن نوشته شده است .
 "سرعت و میزان خانه سازی در شوروی با هیچ کجای دنیا قابل مقایسه نیست" ، البته مشابه چنین بیانیهای ۱۵ سال پیش نیز منتشر شد که مدعی بود ، "بهبود شرایط ممکن کارگران در شوروی با هیچ يك از کشورهای سرمایه داری قابل مقایسه نیست . ۱۱۷۰

با توجه به ارقام زیر ، ادعای نشریه اخبار شوروی که خانه سازی در شوروی را از کشورهای دیگر پیشرفته تر میدانند مضحك است . در ۱۶ سال بین ۱۹۲۳ و ۱۹۳۹ ، تنها افزایشی برابر با ۶ / ۱۰۶ میلیون متر مربع در امر خانه سازی در شهرهای شوروی صورت گرفت ، در حالیکه ، در انگلستان و ویلز به تنهایی در ۴ سال بین ۱۹۲۵ و ۱۹۲۸ مجموع فضای ساخته شده ، کمتر از ۷۰ میلیون متر مربع نبود . ۱۱۸۰

آیا باز هم برای اثبات اینکه انباشت ثروت بمعنای انباشت فقر است ، دلائل بیشتری لازم است ؟

تسلط جنگ بر صنعت

شناخت واقعی وسعت صنایع جنگی در شوروی بسیار دشوار است و در مقایسه زیر که بین مقدار بودجه دفاعی و مجموعه بودجه رفاه اجتماعی - فرهنگی (آموزش ، بهداشت ، ورزش ، بازنشستگی و غیره) ۱۱۹ بعمل آمده است ، ارقام بودجه دفاعی نمیتواند چندان گویا باشد

سال	دفاع	رفاه اجتماعی-فرهنگی
۱۹۳۵	۸/۲	۱۳/۱
۱۹۳۶	۱۴/۹	۲۰
۱۹۳۷	۱۷/۵	۲۵/۷
۱۹۳۸	۲۳/۲	۳۵/۳
۱۹۳۹	۳۹/۲	۳۷/۴
۱۹۴۰	۵۶/۱	۴۰/۹
۱۹۴۶	۷۳/۶	۸۰
۱۹۴۷	۶۶/۳	۱۰۶
۱۹۴۸	۶۶/۳	۱۰۵/۶
۱۹۴۹	۷۹/۲	۱۱۶
۱۹۵۰	۸۲/۹	۱۱۶/۹
۱۹۵۱	۹۳/۹	۱۱۸/۹

باید توجه داشت که بودجه دفاعی در ۱۹۴۰، پیش از تهاجم نازی ها، کمی بیش از بودجه رفاه فرهنگی - اجتماعی بود اما در سال ۱۹۴۹ یعنی هنگامی که "جنگ سرد" به اوج خود رسیده بود، در نهایت تعجب میزان آن کاهش یافت.

چند واقعیت به روشن شدن این آمار کمک میکند: (۱) بخشی از هزینه وزارت کشور (MVD یا پلیس مخفی NKVD) در خدمت امور نظامی قرار میگیرد، (۲) هزینه کارخانه های مهمات سازی، تأسیسات نظامی، سربازخانه ها و غیره در بودجه وزارتخانه های دیگر منظور شده است و نه در بودجه وزارت دفاع، (۳) هزینه آموزشگاه های نظامی در بودجه وزارت آموزش در نظر گرفته شده است. اما هنوز تمام این حقایق و دیگر واقعیات مشابه آن تنها تاحدی مبین دلیل کم بودن بودجه دفاعی است، درحالیکه انگیزه اصلی آن ارزانی بیش از حد - ارزان کردن مصنوعی - مهمات است. در نتیجه - میزان بالای مالیات کل فروش بر وسائل مصرف و کمک هزینه های وسیع به صنایع سنگین، بویژه صنایع نظامی، تعادل قیمت ها، بین تولیدات صنایع سنگین و سایر بخشهای اقتصاد شدیداً برهم خورده است. به تولید

ذغال سنگ و فولادی که به منظور تولید وسائل ماشین آلات تولید مهمات بکار میرود، به تولید ذغال سنگ و فولادی که مستقیماً برای تولید مهمات بکار میرود، به حمل و نقل هم‌این عوامل و غیره بقدر زیادی کمک می‌گردد. بدین‌سان قیمت اسلحه از طریق این کمک هزینه‌ها، بمیزان بسیار زیادی کاهش می‌یابد. از آنجا که مالیات کل فروش تقریباً $\frac{2}{3}$ قیمت کالای مصرفی بشود و کمک هزینه‌های مستقیم و یا غیر مستقیم احتمالاً قیمت اسلحه را در حدود $\frac{1}{3}$ هزینه واقعی تولید آن کاهش می‌داد، برای بدست آوردن یک تصویر درست‌تر باید قیمت مهمات را ۹ برابر کرد و این رقم را با جمع قیمت کالای مصرفی (که شامل بودجه خدمات اجتماعی و فرهنگی نیز هست) مقایسه کرد. زیرا در غیر این صورت تصویری دور از واقعیت بدست می‌آید. برای نمونه، برنامه اقتصادی ۱۹۴۱ اعلام می‌دارد که کل بهای تولیدات همه صنایع دفاعی ۴۰۳۰۰ میلیون روبل، اما کل بهای محصولات صنایع نساجی ۴۶۰۰۰ میلیون روبل است که به مراتب بیشتر از آن است: ۱۲۰.

با در نظر گرفتن تمام دشواریها، ما با کمک پروفیسور م. گاردنر کلارک **Gardner Klark** از دانشگاه کورنل **Cornel** تصویری

نسبتاً واقعی از میزان تولید اسلحه در اقتصاد شوروی در دست داریم. پروفیسور کلارک تنها با تکیه بر منابع رسمی، بخشی از کل تولید آهن و فولاد شوروی را که برای تولید مهمات بکار میرود با اضافه آن بخشی از کُـل آهن و فولاد را که برای ساختن کارخانه‌های مهمات سازی بکار میرود، محاسبه میکند. نتیجه تحقیقات او در جدول زیر منعکس است: ۱۲۱

مصروف آهن و فولاد توسط صنایع نظامی در شوروی ۱۹۳۸-۱۹۳۲ (در ۱۰۰۰ تن و به درصد)

موارد مصرف	۱۹۳۲	۱۹۳۳	۱۹۳۴	۱۹۳۵	۱۹۳۶	۱۹۳۷	۱۹۳۸
۱- جمع میزان مصرفی توسط صنایع تسلیحاتی بر حسب تن	۱۶۴۶/۶	۱۳۷۸/۱	۲۲۰۴/۶	۲۶۶۷/۹	۲۸۷۳/۳	۴۰۱۹/۱	۴۹۸۶/۲

۲- درصد مصرف صنایع ماشین سازی جهت تسلیحات	۴۰/۴	۳۲/۶	۳۸/۲	۳۸	۳۵/۴	۴۷/۱	۵۷/۵
---	------	------	------	----	------	------	------

۳- درصد مصرف صنایع ساختمانی در شوروی برای تسلیحات	۲۱/۸	۱۷/۵	۱۷/۵	۱۹/۳	۱۷/۴	۲۳/۲	۲۹/۲
---	------	------	------	------	------	------	------

۴- درصد مصرف صنایع ماشین سازی جهت ساختمان تسلیحات	۴۵/۸	۶۵/۹	۷۲/۸	۷۳/۴	۸۲/۵	۸۴/۵	۹۴/۳
---	------	------	------	------	------	------	------

بدینسان از همان سال ۱۹۳۲، ۸/۲۱ درصد کل آهن و فولاد در صنایع تسلیحاتی بکار رفت — که در مقایسه با درصد ۲/۲۹ برای سال ۱۹۳۸ یعنی در بحبوحه جنگ میزان بسیار زیادی است. کارخانه های مهمان سازی تقریباً نیمی از کل آهن و فولادی را که در ساختمان صنایع ماشین سازی بکار میرفت مصرف میکردند، و در سال ۱۹۳۸ تقریباً تمامی کارخانه های ماشین سازی دیگر تعطیل شدند و صنایع مهمات سازی ۳/۹۴ درصد کل آهن و فولادی را که در ساختمان صنایع ماشین سازی بکار میرفت مصرف کرد. نیروهای مسلح نیز مصرف بخش عمده ای از تولیدات کالاهای مصرفی را بخود اختصاص میدادند. ن. ن. ۱۰. ورنسنسکی **N. A. Voznesse** رئیس کمیسیون برنامه ریزی (Gosplan) مینویسد که در سال ۱۹۴۰ تنها ۴۶ درصد کالاهای پنبهای تولید شده و ۲۹ درصد کفش در "بازار عمومی" فروخته شد و بقیه تقریباً بطور کامل به مصرف ارتش رسید (بجز سهم اندکی که برای تولید لباس کار، در کارخانه ها و وسائل نقلیه مصرف میشد. ۱۲۲). در تمام دوران برنامه اقتصادی، صنایع نظامی نقش بسیار مهمی در اقتصاد شوروی دارا بودند.

بازدهی کار و کارگران

در يك دولت کارگري افزايش بازدهی کار با بهبود شرایط کارگران همراه است. همانطور که تروتسکی در ۱۹۲۸ گفت، دستمزد واقعی "باید مقیاس اصلی برای سنجش موفقیت تکامل سوسیالیسم باشد". "بهبود دائمی شرایط زندگی کارگران، معیار تکامل سوسیالیسم است". اکنون بگذارید رابطه بین افزایش بازدهی کار و شرایط زندگی کارگران در شوروی را بررسی کنیم. جدول زیر گواه خوبی است:

تعداد کسب و کارهای غذایی* بازدهی کارهای ۱۲۳

به نسبت دستمزدها میان سال ۱۲۴

سال	شاخص	شاخص
۱۹۱۳	۱۰۰	۱۰۰
۱۹۲۸	۱۰۶	۱۵۱/۴
۱۹۳۶	۳۳۱/۹	۶۴/۹

بدینسان تا ۱۹۲۸، نه تنها دستمزدها از زمان پیش از جنگ بالاتر بودند، بلکه به نسبت بازدهی کار نیز افزایش بسیار زیادی داشتند. بیست و سالهای ۱۹۲۸ و ۱۹۳۶ در حالیکه بازدهی کار به بیش از سه برابر رسید، دستمزدهای واقعی بیش از ۵۰ درصد کاهش یافتند.

همین نتیجه گیری را میتوان از راه دیگری نیز بدست آورد، یعنی از راه مقایسه سطح بازدهی کار در شوروی و کشورهای دیگر و سطح زندگی کارگران شوروی با کارگران کشورهای دیگر.

در ۱۹۱۳، میانگین بازدهی کار در صنایع شوروی ۲۵ درصد بازدهی کار در آمریکا، ۳۵ درصد آلمان و ۴۰ درصد بریتانیا بود. کمیسیون برنامه ریزی در ۱۹۳۷ مسئول تحقیق درباره بازدهی کار در صنایع شوروی شد و به این نتیجه رسید که بازدهی کار در شوروی ۴۰/۵ درصد بازدهی کار در صنایع آمریکا و ۹۷ درصد آن در آلمان است. ۱۲۵ شواهدی مبنی بر مبالغه آمیز بودن این محاسبات وجود دارد. زیرا بازدهی کار در صنایع شوروی در ۱۹۳۷، ۳۰ درصد آمریکا، ۷۰ درصد آلمان و در همین حدود نسبت به بریتانیا بود. تشریح کامل اینکه چگونه به چنین نتیجه ای رسیدیم بسیار طولانی است و از آنجا که نتیجه گیری کمیسیون برنامه ریزی با بحث ما مغایرت ندارد و برعکس آن را تأیید میکند، ارقام صحیح اهمیت چندانی ندارد. بدین سان کارگر شوروی ۷۰ درصد کارگر بریتانیا تولید میکند، اما سطح زندگی او به مراتب پایین تر است.

* يك كسب و کارهای غذایی " میانگین قدرت خرید مواد غذایی ماهانه يك

خانواده است (مترجم)

در جدول زیر ما فرض میکنیم که کارگر شوروی ۵۰۰ روبل در ماه حقوق میگیرد که این رقم میانگین حقوق همکارمندان و کارگران دولت (که شامل دیوانسالاری هم میشود) است که تا پایان چهارمین برنامه پنجساله اقتصادی در ۱۹۵۰ منظور شده بود و همچنین مبنای محاسبه قیمت ها را از قیمت های ناحیه يك شوروی که پائین ترین قیمت ها در شوروی هستند گرفتیم^{۱۲۶} و برای بریتانیا میانگین دستمزد هفتگی کارگران را که ۵ پوند و ۳ شلینگ و شش پنس است در نظر گرفتیم^{۱۲۷}. مبنای محاسبه قیمت ارقام رسمی منتشره از سوی وزارت بازرگانی است.

میزان اقلای کمیانگین دستمزد هفتگی قادر به خرید آن است.

قلم جنس	واحد	شوروی	بریتانیا
نان گندم (درجه يك)	پوند (۲/۲) پوند برابر با يك كيلو است	۴۱/۷	۴۸۰/۷
نان گندم (۲)	"	۶۳/۳	—
نان گندم سیاه	"	۹۱	—
گوشت	"	۹	۷۹-۱۲۷
کره	"	۴/۱	۷۷/۲
شیر	پاینت (يك پاینت برابر با ۵۷/۰ لیتر است)	۵۷-۸۱	۲۴۷/۲
شکر	پوند (۲/۲) پوند برابر با يك كيلو است	۱۸/۵	۴۱۲
تخم مرغ	عدد	۸۲-۱۱۵	۷۰۶/۳
چای	پوند (۲/۲) پوند برابر با يك كيلو است	۱/۶	۳۶/۴
قهوه	"	۳/۴	۴۱/۲
آبجو	پاینت (يك پاینت برابر با ۵۷/۰ لیتر است)	۱۴/۴	۸۸/۲
سیگار	عدد	۴۶۴	۶۱۸